



کرایه شتر از جده تا مکه چند است؟

این روزها سندی در لایه لای مجموعه اسنادی از دوره قاجاری دیدم که مربوط به سال ۱۳۲۴ق است و موضوع آن به صورت خاص درباره مسئله کرایه شتر برای زائرانی است که از جده قصد رفتن به مکه معظمه را داشته‌اند، راهی که تقریباً هفتاد کیلومتر است.

این زمان، قونسول ایران، مفخم السلطنه بوده و چنان‌که در این سند آمده، تلاش کرده است تا با هماهنگی با امیر مکه، مبلغ ثابتی را برای کرایه شتر شامل ده مجیدی قرار دهد تا در حق حجاج ایرانی اجحافی صورت نگیرد. با این حال، در میان حجاج ایرانی، چنان‌که می‌دانیم، یکسره این شایعات بود که این مبلغ زیاد است و جنرال قونسول سهمی برای خود از آن برمی‌دارد.

متن زیر برای تکذیب این شایعات تنظیم شده و ضمن آن گفته شده است در حالی که زائران کشورهای دیگر، هجده مجیدی برای کرایه شتر از جده تا مکه می‌دهند، ایرانی‌ها فقط ده مجیدی سفیدی می‌دهند.

روشن است که ایرانی جماعت نباید این حرف‌ها را باور کند؛ چون از اساس معتقد است که همه دولتی‌ها دزد هستند. بنابراین مفخم السلطنه بیچاره این متن را نوشته و از شماری از افراد متشخص از تاجرو روحانی، مجتهد و واعظ، آن هم از عرب و عجم، خواسته است تا مطالب او را گواهی کنند. آنها هم یک‌به‌یک. بیشتر به فارسی و برخی به عربی گواهی کرده‌اند که مطالب درست و حرمت حجاج ایرانی به خاطر فعالیت‌های مفخم السلطنه محفوظ است. این گواهان هر کدام متنی را کوتاه یا بلند نوشته و مهر خویش را در پایان آن زده‌اند.

برای من فارغ از اطلاعاتی که در این سند درباره حج هست، این روحیه ما ایرانی‌ها هم مهم هست که هیچ‌گاه به هیچ نوع رفتار دولتی اعتماد نداریم و چنان‌که عرض شد، آنها را اغلب شریک دزد می‌دانیم.

این سند در مجموعه‌ای از اسناد آمده که به شماره ۱۴۸۱ در کتابخانه شماره ۲ مجلس شورای اسلامی نگهداری می‌شود.

متن سند

از حجاج ذوی الاحتجاج و الاحترام تبعه دولت جاوید آیت ایران که به عزم طواف بیت الله الحرام. زاده‌ها الله شرفاً و تعظیماً. وارد بندر جده می‌شوند، استدعا می‌رود که قبل از عزیمت به طرف مکه مکرمه کرایه شتر را از تبعه سایر دولی که هر روز هزاران نفر از جده به مکه می‌روند، سؤال فرمایند تا اینکه به عموم تبعه دولتی علیّه ایران ثابت گردد که کرایه

شترایرانی ارزان تر از کرایه تبعه سایر دولت است.

از اهالی جاوه و هندوستان و مصر و ترکستان و بخارا، از هجده مجیدی سفید به هر شتر کرایه می‌گیرند و تبعه ایران بیشتر از ده مجیدی نمی‌دهد. آن هم از نتیجه اقدامات مجدانه جنرال قونسولگری و مخابرات کتبی و تلگرافی که با امارات جلیله مکه مکرمه شده است می‌باشد، و عین تلگرافات که در خصوص کرایه و آسایش حجاج ایران از امارات مکه رسیده، در جنرال قونسولگری حاضر است. هر کس از تبعه ایران بخواهد ببیند، به دفترخانه جنرال قونسولگری رجوع نماید تا اینکه این همه خدمات و زحمات گماشتگان جنرال قونسولگری جده که در آن ولایت متحمل گرما و بی‌اعتدالی آب و هوا شده و شب و روز مشغول فراهم آوردن اسباب سهولت مسافرت حجاج می‌باشد، در نزد اولیای دولت علیه و وکلای محترم ملت معظمه مخفی و پوشیده نماند، منظور نظر بشود.

و تمامی اهل جده و عموم حجاج می‌دانند که کرایه شتر حجاج در وقت حج، از طرف امارات مکه مکرمه به جهت تبعه هر دولت معین می‌شود و کرایه شتر را شیخ علی جمّال که وکیل امیر مکه است، می‌گیرد. از او هم سؤال نمایند تا اینکه مشخص و محقق گردد که از بابت کرایه شتر و غیره دیناری به جنرال قونسولگری عاید نمی‌شود.

و ثانیاً خواهش می‌شود در جده از طرف گماشتگان جنرال قونسولگری، به موجب اعلان وزارت جلیله خارجه و سفارت کبری اسلامبول از حجاج ایرانی غیر از سه تومان وجه امضا که در مقابل آن تمبرسه تومانی چسبانده می‌شود، اگر دیناری نامشروع به اسم دیگر گرفته می‌شود در حاشیه همین ورقه مرقوم نمایند.

[گواهی بر صحت اظهارات جنرال قونسول]

حسن کفایت و خیرخواهی حضرت اجل نسبت به تمام حجاج و عابریین واضح است. [محل مهر]

انصافاً حسن سلوک جناب جلالت مآب اجل اکرم افخم و کفایت و رعایت از حجاج در هذه السنة موجب رفاهیت و مزید اعتبار ملت و دولت شد. فی تاریخ شهر شهر ذی قعدة الحرام ۱۳۲۴ [محل مهر]

هو الله تعالی

مراتب مسطوره از گرفتن وجه تذکره جده سه تومان و کرایه شتر عرفات و جده نه و ده مجیدی، تماماً صدق محض و محض صدق است. واقعاً از حسن کفایت و درایت ایشان کمال امتنان و دعاگویی دولت جاوید مدت را عامه حجاج دارند. اقل خادم الشریعه محمد علی الحسینی [محل مهر]

مراتب مسطوره به قراری است که آیات مرقوم فرموده‌اند. هزاران مرحبا دارد. امیر شاه پرست اعتماد الاسلام [محل مهر]

بسمه تعالی

نعم، ما فی هذه الورقة صحیح و شاهد نا من حضرة القنصل [القنصل] مفخم السلطنة. دام اقباله. الاهتمامات اللازمة لتسهيل امور رعية الدولة العلية الايرانية، بل وجوده نافع لعموم الشيعة، خصوصاً فی منی و عرفات لما صار موقوفین، هو بنفسه يحافظ على عموم الشيعة و كروة الجمال بامر جناب مفخم السلطنة دام مجده العرب و العجم حال واحد، و لا فرق بينهما. حرّزه الاقل هادی نجل كليدار روضة الحيدرية عليها الاف الصلوة و التحية. [محل مهر]

نعم الامر كما حرّر و سطر فی هذه الورقة، و انا الاقل محسن خادم روضة الحيدرية سرکشیک. [محل مهر]

مراتب مسطور از گرفتن تذکره جده و کرایه شتر عرفات از حسن کفایت حضرت مستطاب اجل اکرم آقای مفخم السلطنة حفظه الله تعالی می‌باشد. اقل الواعظین و له الحمد! اشرف الذکرین. [محل مهر]



«تکلفات خاصه» و همین طور «آداب ظاهرپرستان» یاد شده و به عیسی خان اجازه داده شده است تا «رفع حجاب و کشف نقاب کرده» با «سربرهنه» در «محافل خاص» که اغلب همان مجلس بزم اختصاصی است شرکت کند. در این حکم از «آداب دانان بزم شاهنشاهی» که گویا افرادی بوده‌اند که مسئولیت داشته‌اند تا افراد را وادار کنند تا حرمت این مجالس را رعایت کرده و حتماً با عمامه و دستار در آن حضور یابند، خواسته شده تا کاری به مشارالیه نداشته باشند.

سواد رقمی که نواب مستطاب وزارت و اقبال پناه اعتمادالدوله العلیه العالیه به جهت رفع تکلفات در مجلس بهشت آیین نوشته حکم جهان مطاع شد:

آن که چون مطمح نظر خجسته اثر رفع تکلفات ظاهری و خلع رسوم عادت پرستان صورتیست، لهذا از غایت عنایت شاهنشاهی و نهایت مرحمت ظل‌اللهی درباره سیادت و صفوت و ایالت پناه شوکت و حشمت و جلالت دستگاه، عالیجاده مسیحا للسیاده و الصفوة و الایالة و الاقبال عیسی خان قورچی باشی که بدولت دوام ملازمت ما سرفراز و به مزید اختصاص از عالمیان ممتاز است، مقرر فرمودیم که از تقید رسوم و آداب ظاهرپرستان عریان گشته، بی تکلفانه در بزم همایون سربرهنه نشیند و تکلفات ظاهری که شیوه نزدیکان و محرمان نیست، از خود دور دارد. بنابراین، آداب دانان بزم شاهنشاهی، مشارالیه را در ارتکاب تکلفات مرخص دانند که از غایت محبت و نهایت محرمیت رفع حجاب و کشف نقاب نموده او را در محافل خاص و بزم اختصاص از رسوم ظاهری عریان ساخته‌ایم. تحریر فی شهر رمضان المبارک سنه ۱۰۳۸

نام ساقی کوثر و واکنش نکیر و منکر

جنگ محمد بیکا، یکی از جنگ‌های خوبی است که از دوره صفوی مانده است. او طی سال‌های متمادی در دو سه دهه اول قرن دوازدهم، از عالمان و خطاطان و... خواسته است مطلبی در این جنگ بنویسند. یک مورد، شعری است که ذیلاً ملاحظه می‌فرمایید و در فریم ۲۵ این جنگ آمده است:

یکی دردی کش آلوده دامن	شبی آمد بخوابم بعد مردن
چو چشم یار مخمور و سیه مست	همان جام صراحی داشت در دست
بدو گفتم که ای گشتی تباهی	چون من غرق محیط روسیاهی
چه کردی با نکیر و منکر آخر	و از ایشانت چه آمد بر سر آخر؟
بگفتم جرمی و ساغر ندانم	بغیر از ساقی کوثر ندانم
چون نام ساقی کوثر شنیدند	بخاک افتاده دست از من کشیدند
عمود آتشین از کف نهادند	در فردوس بر رویم گشادند
چو گل خندان به روی من شکفتند	بصد الفت و داعم کرده گفتند:
تو با این ساقی صاحب کرامت	برو می نوش تا روز قیامت!

آگاهی‌های تازه درباره آثار ضد صوفیه در دوره صفوی

متن زیر از کتابی با نام کفایة العاقلین فی معرفة المبتدعین گرفته شده است؛ نامی که در فهرستگان فنخا (۴۸۴/۲۶) نیامده است. این متن به صورت یادداشت پشت نسخه‌ای در آغاز کتاب السهام المارقه [نسخه اهدایی طباطبائی در مجلس، ش ۵۲۱] درج شده و به نظر می‌رسد حاوی اطلاعات باارزشی در موضوع خود است.

متن حاضر حاوی اطلاعات کتابشناختی درباره آثاری است که پیش از عصر صفوی و در آن دوره، در موضوع رد تصوف نوشته شده است. داده‌های این کتاب را می‌توان به چند بخش تقسیم کرد.

(الف) کتاب‌های رد صوفیه که پیش از صوفیه نگارش شده است.

(ب) آثاری که در دوره صفویه نوشته شده است.

(ج) توضیحاتی درباره کتاب حدیقة الشیعه و اشاره به تردیدهایی که درباره بخش رد تصوف آن وجود دارد.

ارزش این یادداشت یادکردن از اسامی تعدادی کتاب است که طبعاً می‌باید درباره آنها و اینکه آیا نسخه‌ای از آنها موجود مانده است یا خیر، تحقیق شود.

به نظرم احتمال اینکه یادداشت ذیل توسط ملامحمد طاهر قمی نوشته شده باشد هست. در اینجا چنان از او یاد می‌کند که گویا شخص دیگری درباره وی گزارش می‌دهد، اما این رسم در نوشته‌های ملامحمد طاهر به خصوص آثار ضد صوفی او هست. وی کتاب بزرگی را به اسم مستعار علیه صوفیه نوشته و این رویه را در آنجا هم رعایت کرده است. در این باره اصرار نداریم، اما حدس آن است که این متن را او نوشته است. جالب است که از کتاب کفایة العاقلین در جایی یاد نشده است. هر چند ممکن است بعدها در آثار خود ملامحمد طاهر نشانی از آن به دست آید.

متن یادداشت:

بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین

صاحب رساله کفایة العاقلین فی معرفة المبتدعین میگوید: بدان ای عزیز که پیش از این بزرگان علمای شیعه از

متقدمین و متأخرین، کتاب در این باب بسیار نوشته‌اند.

[کتاب‌های رد صوفیه پیش از صفوی]

از جمله کتابهایی که در آن، بیان حال کل این طائفه ضالّه یا بعضی از ایشان کرده‌اند، کتاب ادیان و ملل [بیان الادیان] است که امامزاده واجب‌التعظیم عبیدالله بن موسی بن احمد بن محمد بن امام محمد التقی علیه الصلوة والسلام تألیف نموده و در آن کتاب، بسیار کسی را از اصحاب ائمه معصومین (علیهم السلام) نام برده که در بعضی از کتابهای خود مذمت کلّ این طائفه کرده‌اند، و بعد از چند کلمه می‌گوید که: دیگر کتاب الزّده علی اصحاب الحلاج است که شیخ مفید (علیه الرحمه) تألیف نموده و آن کتابی است مشتمل بر احادیث کثیره، همه در ردّ طایفه مبتدعه.

دیگر کتاب الاقتصاد و کتاب الغیبة و کتاب رجال شیخ ابوجعفر طوسی است.

و کتاب قرب الاسناد علی بن بابویه قمی، و کتاب اعتقادات، و کتاب مرشد پسرش شیخ ابوجعفر قمی، و کتاب بیان الادیان که قبل از این مذکور شد، و کتاب ایجاز المطالب، و کتاب هادی الی النجاة ابن حمزه، و کتاب نهج الحق و کشف الصدق علامه، و کتاب احتجاج شیخ طبرسی، و کتاب اعتقاد دوریستی، و کتاب الفصول التامة، و کتاب اسرار الامامة، و کتاب مطاعن المجرمیه که شیخ علی بن عبدالعال نوشته، و کتاب عمدة المقال که فرزندش شیخ حسن [کرکی] تألیف نموده، و کتاب حدیقة الشیعه که ملاحمد اردبیلی نوشته.

[کتاب‌های دوره صفوی]: و در این زمان نیز بسیار کسی از فضلاء شیعه کتابها و رساله‌ها مشتمل بر مذمت این فرقه نوشته‌اند، مانند: کتاب بضاعة النجاة، و کتاب توضیح المشربین و کتاب فضایح المبتدعه، و کتاب نصیحة الکرام، و کتاب تسلیة الشیعه و کتاب عین الحیاة که ملاحمد باقر پسر ملاحمد تقی نوشته، و کتاب درر الاسرار، و کتاب دره فاخره، و کتاب مسلک المرشدین، و کتاب مقصد المهتدین، و کتاب ذخیره المؤمنین، و کتاب شهاب المؤمنین، و رساله ارغام، و رساله نزول الصواعق، و رساله سیوف حاده، و رساله ثقب الشهاب، و رساله اعلام المحبین، و کتاب سهام مارقه که شیخ علی نبیره شیخ شهید نوشته، و کتاب تحفة الاخیار که بعد از اینها همه ملاحمد طاهر شیخ الاسلام قم نوشته، و از برای شاه عباس ثانی. انارالله برهانه. فرستاده تا حقیقت حال صوفیه براو ظاهر گردد. تمّ ما نُقل من الرسالة الموسوعة بكفاية العاقلین رحمة الله علی مؤلفها و علی جمیع المومنین.

[درباره کتاب ملاحمد طاهر]: پس بدان ای عزیز که ملاحمد طاهر در پشت کتاب تحفة الاخیار فهرستی قلمی گردانیده که مشتمل است بر چندین مطلب. از آن جمله نوشته است که مطلب بیست و ششم در ذکر عبارات کتاب حدیقة الشیعه است و این عبارات مشتمل است بر مذمت تصوف و اهل تصوف. و این کتاب مشهور است که از تصانیف صاحب کمالات علمی و عملی مولانا احمد اردبیلی است. تمام شد نقل کلام ملاحمد طاهر.

[تردید در بخش رد تصوف حدیقة الشیعه و پاسخ آن]: دیگر بدانکه از بعضی از مردمان معتبر شنید که احمد بیک یوزباشی کتاب حدیقة الشیعه که در زمان مصنف نوشته شده داشته، و معلوم نشد که از میان بدرفته یا به کتابخانه پادشاه انتقال یافته، و در این ایام روزی، کتابی که در حیدرآباد هند از حدیقة الشیعه ملاحمد انتخاب کرده بودند، در یکی از دکانهای کتاب فروشان به نظر رسید، و در بسیار جایی این کتاب را گمان دارد که در زمان مصنف نوشته شده، کسانی که از برای دنیا و آش و حلوا از پی مبتدعه افتاده‌اند، چیزهای بسیار می‌گویند گوش به سخن ایشان نمی‌توان کرد، حتی از همه راهی که بازمی‌مانند می‌گویند شیخ صفی صوفی است، و ندانسته‌اند که حضرت شیخ صفی را به این طایفه و ایشان را به حضرت شیخ صفی (قدس الله سره) نسبتی نیست. والسلام علی من اتبع الهدی.

بسم الله الرحمن الرحيم وبه نستعين

صاحب رساله کفایة العاقلین فی معرفه المبتدعین میگوید بدان ای عزیز که پیش ازین بزرگان علمای شیعه از
 متقدمین و متاخرین کتاب درین باب بسیار نوشته اند از جمله کتابهایی که در آن بیان حال کل این طائفه ضالّه یا بعضی
 از ایشان کرده اند کتاب ادیان و ملل است که امامزاده واجب التعظیم عبیدالله بن موسی بن احمد بن محمد بن الامام محمد تقی
 علیه الصلوٰة والسلام تألیف نموده و در آن کتاب بسیار کسی را از اصحاب ائمه معصومین علیهم السلام نام برده که در بعضی از
 کتابهای خود مذمت کل این طائفه کرده اند و بعد از چند کلمه میگوید که دیگر کتاب ارد علی اصحاب الخلاج است که شیخ مفید علیه
 تألیف نموده و آن کتابست مشتمل بر احادیث کثیره هم در ردّ طائفه مبتدعه دیگر کتاب الاقتصاد و کتاب بغیبه و کتاب بحال
 شیخ ابوجعفر طوسی است و کتاب قرب الاسناد علی بن بابویه قمی و کتاب اعتقادات و کتاب مرشد پسرش شیخ ابوجعفر قمی
 و کتاب بیان الادیان که قبل ازین مذکور شد و کتاب ایجاز المطالب و کتاب هادی الی النجاة ابن حمزه و کتاب نبع
 الحی و کشف الصدق علامه و کتاب احتجاج شیخ طبرسی و کتاب اعتقاد دوربستی و کتاب الفصول الثامه و کتاب اسرار
 الامامه و کتاب مطالعن المجرمیه که شیخ علی بن عبد العال نوشته و کتاب عمده المقال که مؤلف شیخ حسن تألیف نموده و کتاب
 حدیقه الشیعه که ملا احمد ربیعلی نوشته و درین نیز بسیار کسی از فضلاء شیعه کتابها و رسالهها مشتمل بر مذمت این فرقه
 شده اند مانند کتاب بضاعة النجاة و کتاب توضیح المشربین و کتاب فضایح المبتدعه و کتاب نصیحة الکرام و کتاب تسلیة الشیعه
 و کتاب عین الحیاه که ملا محمد پیر ملا محمد تقی نوشته و کتاب دُرر الاسرار و کتاب درّه فاخره و کتاب مسلک المرشدین
 و کتاب مقصد المهدین و کتاب ذخیره المومنین و کتاب شهاب المومنین و رساله ارغام و رساله نزال الصواعق
 و رساله سیوف حاده و رساله ثغوب الشهاب و رساله اعلام الجبین و رساله کتاب سهام مارتکه که شیخ علی بن
 شیخ شهید نوشته و کتاب تحفة الاخیار که بعد ازینها هم ملا محمد ظاهر شیخ الاسلام تم نوشته و از برای شاه عباس
 ثانی انار الله برهانه نوشته تا حقیقت صوفیه ظاهر کرده و تم نقل من الرساله الموسومة بکفایة العاقلین رحمة الله
 علی مؤلفها و علی جمیع المومنین پس بدان ای عزیز که ملا محمد ظاهر در پشت کتاب تحفة الاخیار فهرستی قلی گردانیده که مشتمل است
 بر چندین مطلب از آنچه نوشته است که مطلب پست و ششم در ذکر عبارات کتاب حدیقه الشیعه است و این عبارات
 مشتمل است بر مذمت تصوف و اهل تصوف و این کتاب مشهور است که از تصانیف صاحب کالات علمی و علی مولانا احمد لاد
 تمام شد نقل کلام ملا محمد ظاهر میگوید آنکه از بعضی مردمان معتبر شنیدم که احمد بیک پور بانشی کتاب حدیقه الشیعه که در زمان
 مصنف نوشته و معلوم نشد که از میان بعد در حقیقت و درین ایام ردّی کتابی که در حیدرآباد هند از حدیقه الشیعه ملا احمد
 انتخاب کرده بودند در یکی از دکانهای کتاب فروشان بستر رسید و در بسیار جایی این کتاب کان دارد که در زمان مصنف نوشته
 شده کسانی که از برای دنیا و اسرار و حلاوت از پی مبتدعه افتاده اند چنانچه بسیار میگویند گوش ایشان نمیتوان کرد حتی از همه

در این کتاب در مذمت طائفه ضالّه و اهل تصوف و اهل کلمات علمی و علی مولانا احمد لاد
 در این کتاب در مذمت طائفه ضالّه و اهل تصوف و اهل کلمات علمی و علی مولانا احمد لاد
 در این کتاب در مذمت طائفه ضالّه و اهل تصوف و اهل کلمات علمی و علی مولانا احمد لاد

نسخه‌ای از کتاب بخاری وقف آستان قدس، موجود در کتابخانه مجلس

یک موضوع جالب برای من، استفاده از آثار حدیثی، تفسیری و تاریخی کهن اهل سنت توسط عالمان شیعی ایرانی از صفوی تا قاجاری است. اینکه مثلاً آیا از تاریخ طبری استفاده شده است یا خیر؟ یا مثلاً از خود کتاب بخاری و مسلم استفاده می‌کرده‌اند یا خیر؟ این را به خصوص از آثار میرزا عبدالله افندی می‌توان دریافت. منبع دیگر، نسخه‌های مهم آثار اهل سنت در کتابخانه‌های بزرگ است که باید بررسی شوند.

امروز تصویر یک نسخه از صحیح بخاری را دیدم که از ابتدا و انتها ناقص بود. اما روی صفحه اول آن چند یادداشت جالب وجود داشت که می‌شد گردش آن را در کتابخانه‌های ایران دید.

قدیمی‌ترین یادداشت این بود:

از جمله هفتصد مجلدی است که از دارالسلطنه اصفهان ارسال شده، به تاریخ شهر محرم الحرام ۱۱۵۴ تخاقوی
نیل داخل عرض شد. «مهر»

به تاریخ شهر ربیع الاول ۱۱۹۶ داخل عرض شد. «مهر»

۱۲۳۰ داخل عرض شد [مهر:] عبده الراجی فضل الله

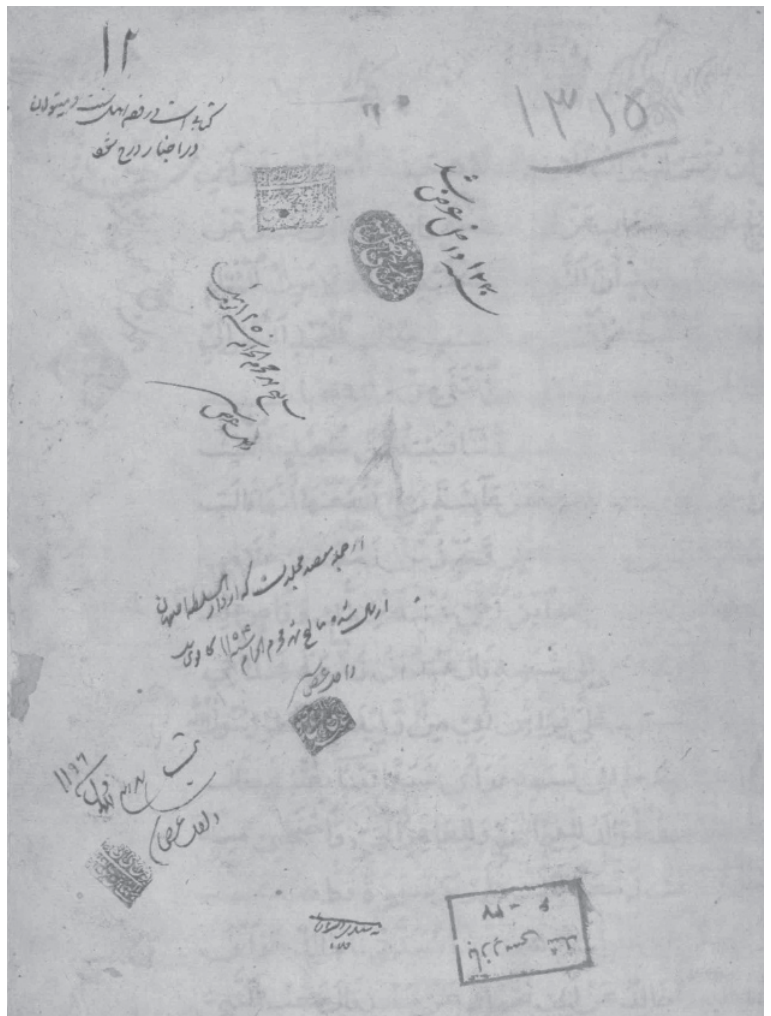
به تاریخ شهر محرم الحرام ۱۲۵۰ لویی نیل داخل عرض شد. [بدون مهر]

در روی همین صفحه، یک مهر مستطیل آبی هم دارد که
«الطباطبائی» بالای آن خوانده می‌شود.

به علاوه بالای آن نوشته شده: ۱۲: کتابی است در فقه اهل سنت و
می‌توان در اخبار درج شود.

در انتهای نسخه، پایین صفحه آخرنوشته شده: یکشنبه ۲۷ شهر
جمادی الاخره لوی نیل ۱۲۹۷ داخل عرض (۱۲) کتابخانه مبارکه
آستان قدس شد. (در این صفحه پنج مهر هست.)

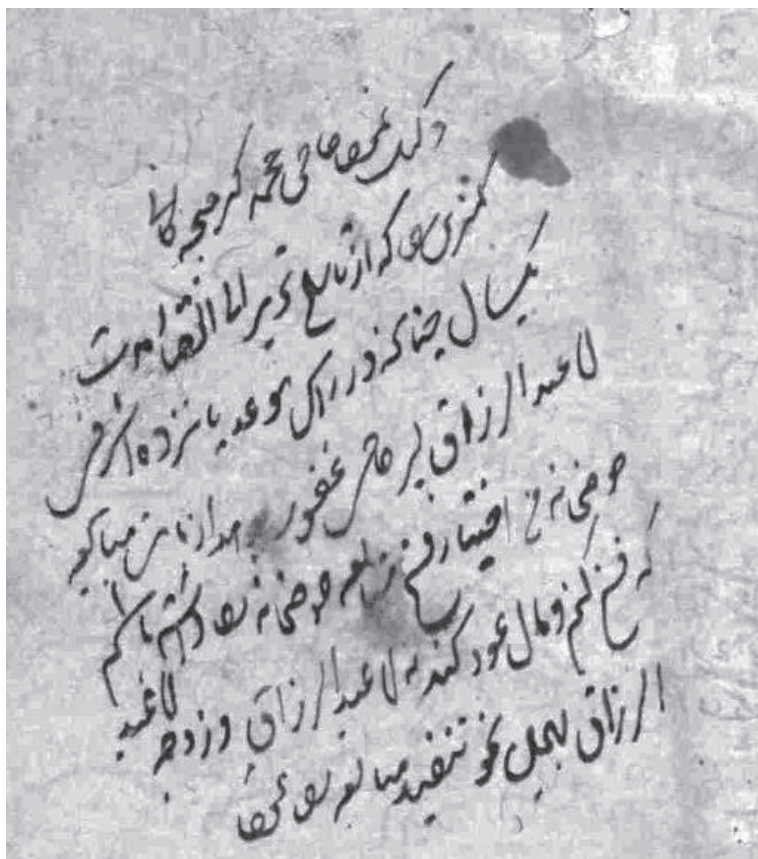
بدون شک نسخه متعلق به آستان قدس بوده، اما اکنون در کتابخانه
مجلس به شماره ۱۳۱۵ طباطبائی نگهداری می‌شود. علاوه بر
یادداشت صریح بالا، در فریم ۵ و ۲۹ و برخی دیگر و نیز فریم ۱۳۷
که فریم آخر کتاب است، مهر وقف کتابخانه هم آمده است. «وقف
سرکار فیض آثار حضرت ثامن الائمه سلام الله علیه».



یک سند قاجاری از کرمجگان قم

یادداشتی است در پشت یک نسخه خطی که می‌گوید حاجی محمد کرمجگانی نویسنده را وکیل کرده است تا از آقاعبدالرزاق حوضخانه ای را به قیمت پانزده اشرفی بخرد ...
متأسفانه یادداشت تاریخ ندارد، اما همین مقدار هم سودمند است. متن این است: (عکسش را هم خواهم آورد):

وکیل نمود حاجی محمد کرمجگانی کمترین را که از تاریخ تحریر الی انقضاء مدت یک سال چنانچه در رأس موعده، پانزده اشرفی آقاعبدالرزاق پسر حاجی غفور بدهد از بابت مبیعه حوضخانه. من اختیار فسخ مبیعه حوضخانه را داشته باشم که فسخ کنم و مال عود کند به آقا عبدالرزاق؛ و زوجه آقا عبدالرزاق به همین نحو تنفیذ مبیعه را نمود.



صورت درآمد عبدالحسین خان لسان السلطنه ملک المورخین سپهر کاشی در سال ۱۳۱۵ ق / ۱۸۹۷ م

عبدالحسین خان سپهر، معروف‌ترین کتابش ناسخ التواریخ است، اما جزآن هم آثار فراوان دیگری دارد. با این حال، شغل اصلی او از اواخر دوره ناصری، منشی‌گری مخصوص میرزا علی اصغر اتابک و پس از مرگ ناصرالدین شاه، آجودانی و معلمی مظفرالدین شاه و همچنان انجام کارهای امین السلطان بود. هر دو لقب ملک المورخین و لسان السلطنه را از مظفرالدین شاه گرفت. سپهر روزنامه‌نگاری هم می‌کرد و در جریان مشروطه، مشروطه‌خواه و انقلابی شد و به بختیاری‌ها هم نزدیک شد. برای همین، تاریخ بختیاری را برای صمصام السلطنه نوشت. سپس از آنها کناره گرفت. مدتی ریاست اوقاف کاشان را داشت و آخر عمر مدیریک دبستان شد. (بنگرید مقدمه مرآت الوقایع مظفری، ص ۲۰) در همان جا نوشته است که مردی بود که ثروت نیندوخت و با مناعت زندگی کرد! صفحه زیر یادداشتی است از خود او که درآمد یک سالش را از منابع مختلف آورده است، از کاشان، اصفهان، و نیز اجاره‌نامه‌هایی که داشته است.

نکته جالب در این برگ، درآمدی است که از کتاب داشته است. پولی از برات دیوان بابت چاپ کتاب امام [سجاد] علیه السلام گرفته که قابل توجه است. درآمدی هم بابت کتاب طراز المذهب [در شرح احوال حضرت زینب] از میرزا احمد امین الصنائع گرفته که او را می‌شناسیم و فعالیت‌های نشر و نگارش و آموزشی او را می‌دانیم. نام وی بارها و بارها در فهرست کتاب‌های چاپی مشار آمده که به مثابه ناشر است. در منابع از او با عنوان «وکیل روزنامه‌جات» یا «وکیل جراید فارسیه» هم یاد شده است. یک مورد هم «از بابت مقابله کتاب حضرت سجاد» است که مبلغ ۲۱۲ تومان است. مقصود از مقابله چیست؟ آیا همان است که امروز ما مراد می‌کنیم؟ شاید!

در میان این ارقام، درآمد او از کاشان ۵۲۰ رقم خوبی است، اما مهم‌تر از آن برات دیوانی بابت طبع کتاب امام (علیه السلام) است که به احتمال زیاد مخارج چاپ بوده و بسا به خود او چیزی نرسیده است. جمع این مبالغ ۳۳۶۴ تومان است که باید ۸ + ۹ قران را هم بر آن افزود که جمعاً می‌شود ۳۳۶۵ تومان و ۷ قران.

متن سند:

یا خیر الواسعین

صورت مداخل هذه السنه ایت ائیل سعادت دلیل سنه ۱۳۱۵ ق

کاشان: ۵۲۰ تومان

موجب اصفهان: ۲۶۰ تومان

موجب اهل خانه: ۱۰۰ تومان

طلب سنه ماضیه: ۱۰۰ تومان

اجاره نامه ملکی: ۳۶ تومان

اجاره خانه دیگر: ۵۷ تومان و ۸ قران

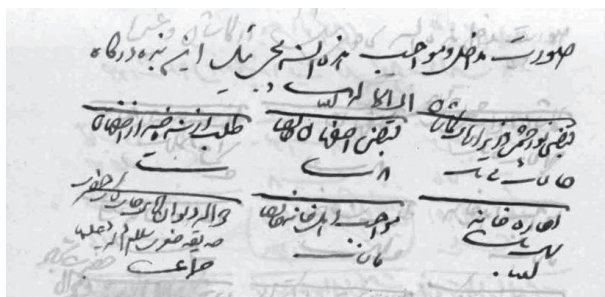
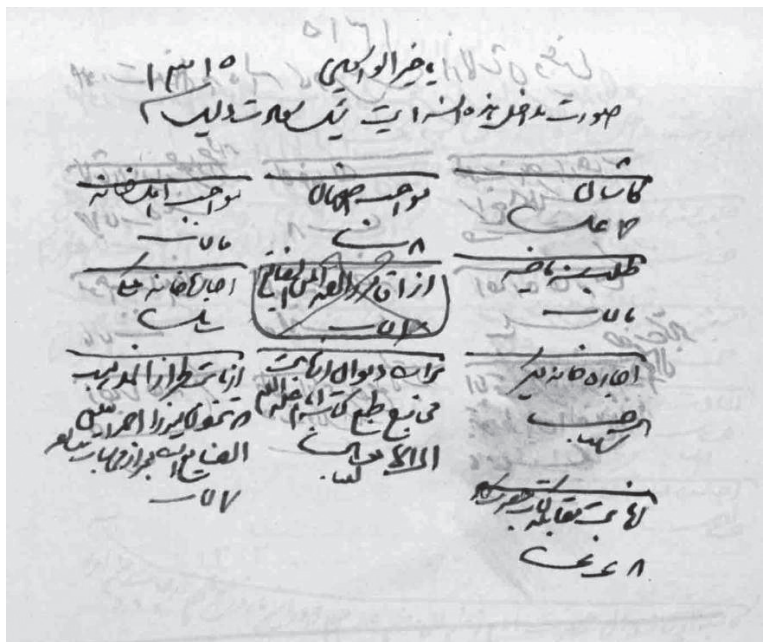
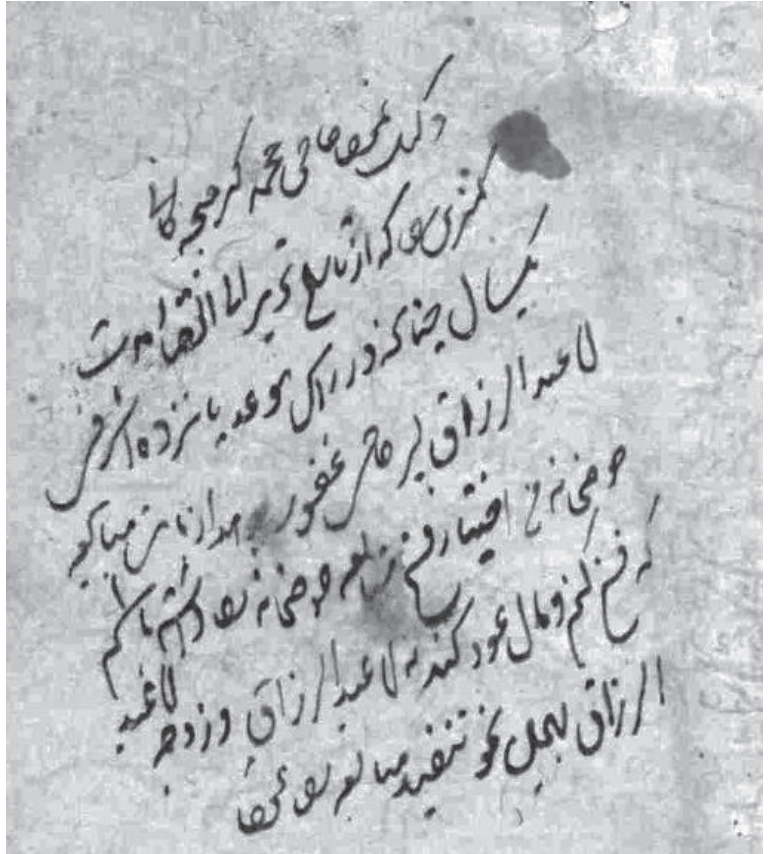
برات دیوان از بابت مخارج طبع کتاب امام (علیه السلام): ۱۴۷۹

تومان و ۹ قران

از بابت طراز المذهب که نزد آقا میرزا احمد امین الصنائع است بعد

از محاسبات مبیاعه؟: ۶۰۰ تومان

از بابت مقابله کتاب حضرت سجاد ۲۱۲ تومان



یادداشت دیگری از ملک المورخین سپهر. بند آخر نشان می‌دهد که دیوان دولتی، هزینه چاپ مجلدات ناسخ التواریخ را پرداخت می‌کرده است. این برای جلد حضرت صدیقه طاهره:

راه راست برای شاه سلطان حسین صفوی

راه راست عنوان رساله‌ای است در اصول دین که در روزگار شاه سلطان حسین صفوی، توسط فردی به نام محمدباقر بن محمدحسین طبیب نوشته شده است. رساله‌های اصول دین در تمام ادوار تاریخ از طرف همه فرقه‌های مذهبی فراوانند؛ چراکه رساله‌هایی هستند مورد نیاز عامه مردم، و علاوه بر اینکه باید به زبان روز نوشته شوند تا مردم عادی از آنها استفاده کنند، می‌باید مطابق دیدگاه‌های رایج کلامی در سطح کلان و نخبگان هم قابل استفاده یا دست‌کم قابل تأیید باشند. از نظر سبک و سیاق نگارش و مطابقت با اصول، نباید از موج‌های فکری رایج زمان غافل ماند؛ اینکه به هر حال در هر دوره، مسائل و گرایش‌هایی مطرح شده و روی باورهای عمومی تأثیر می‌گذارد. اینکه مثلاً جنبش ضد فلسفی حاکم بر جو فکری زمانه باشد یا طرفداری از فلسفه، به هر دلیل، طبیعی است که روی رساله‌های اصول دین اثر خود را می‌گذارد.

در دوره اخیر صفوی، هم‌زمان با غلبه نگرش اخباری، منازعه‌ای در سطح همین رساله‌ها، در اینکه از باورهای فلسفی کلامی قدیمی نشأت بگیرند یا مانند آثار مرحوم مجلسی به ترجمه احادیث پردازند وجود داشت. اصولاً ساختار تفکر شیعی از قرون درازی پیش از این دوره، بر اساس نگرش کلامی طراحی شده بود. این وضع از بغداد قرن چهارم به بعد در شکل دهی به ساختار کلامی و عقلی در حوزه‌های علمی شیعه حضور داشت و در مکتب حله و سپس نجف قدرت یافت. خواجه نصیر و سپس علامه حلی این روال را استوار کردند و این میراث سپس به دوره صفوی رسید.

تا نیمه‌های صفوی مبانی کلامی دوره میانه اسلامی در رساله‌های اعتقادی ادامه یافت و در نیمه دوم، اخباری‌گری به آرامی به کنار زدن آن مشغول شد. چندین دهه فعالیت محدثان که اوج آن فعالیت‌های علامه مجلسی بود و البته خودش ضمن اخباری بودن، تحت تأثیر و زیر سیطره ساختار کلامی بود، جایی برای اصول دین به روش و سبک اخباری را ایجاد کرد، اما با این حال، نه فلسفه خوانی تعطیل شد و نه آن مبانی تغییر عمده‌ای یافت. در سه چهارم قرن اخیر به خصوص در دو قرن گذشته به دلیل ورود شبهات جدید فکری باز هم تمسک به ساختار فلسفی کلامی قدیم را برای دفاع از اصول دین تقویت کرده و جریان‌های معارض از نوع آنچه می‌توان به آنها اخباری گفت، توسعه محدودی یافته‌اند.

رساله راه راست که بسیار کم شناخته شده و از آن نسخ منحصر به فرد مانده و حتی در ذریعه هم یادی از آن نیست، از رسائل کلامی این دوره به حساب می‌آید. در مقدمه‌اش آمده است: «و بعد: بر خرد بصیر خبیر پوشیده نیست که معرفت حق سبحانه و تعالی، ثمره دانش و بینش اهل ایقان است، و ایمان، به اتفاق علما و دانشمندان عقلا در این مطلب عظمی، لابد است از دلیل و برهانی که سبب اطمینان قلب و جمعیت خاطر گردد. بنابراین، این بنخاطر فاطر پست پایه دودمان دانش در کارخانه آفرینش، الممتجی برتبه، محمدباقر ابن محمدحسین الطیب. عفی الله عنهما. رسید که مختصری که به ضبط اقرب باشد، و در نهایت وضوح، و هر یک از مطالب آن مشتمل بر دلیل عقلی، و مبتنی بر بیان و تبیینی که خداوند در محکّمات قرآن مجید فرموده، و مبنی از دلیل و راهی که پیغمبر آخرالزمان و ائمه معصومین (صلوات الله علیهم اجمعین) در جوامع کلم بیان نموده‌اند، در اثبات واجب الوجود (تعالی شانه) و آنچه متعلق به آن است، به زبان فارسی در سلک تقریر و تحریر درآورده، تا همگی طوایف انام، از خواص و عوام، از آن محظوظ و بهره‌مند گردند.»

چنان‌که در عبارت بالا شاهدیم، بحث از «دلیل عقلی» ابتدا آمده و سپس استفاده از کلام خدا، رسول و امامان پس از آن درج شده است. در همان ابتدا باید گفت به کاربردن تعبیر «واجب الوجود» که نشانی است عمومی و ساده بر اینکه روش و مبانی کلامی خواهد بود، ما را با سبک کلامی نویسنده آشنا می‌کند.

وی سپس به رسم معهود، کتاب را به شاه سلطان حسین تقدیم کرده، او را با القاب فراوان می‌ستاید: «و از آنجا که عادت است قدیم، و رسمی کهن، و برهمگی و کافه ارباب دانش و بینش به ملاحظه احوال خویشتن ظاهر و روشن که هرکس را تمّای آنکه آنچه اعزّ داند، و تحفه شمارد، اهدا و اتحاف نماید به جانب برگزیده دوران و فرمان فرمای زمان این... بضاعت نیز هوای آن برسرافتاد که این رساله، منظور نظر ایستادگان پایه سریرگردون اعلی حضرت نواب همایون شاهی ظلّ اللهی عالمیان پناهی ملایک سپاهی، سلطان زمان شهنشاه دوران صاحب قران، کشور ستان سکندرشان سلطان نشان، خاقان اعظم پادشاه عالم، مالک رقاب امم، مولی ملوک العرب و العجم، زبده خاندان نبوت و رسالت، خلاصه دودمان هدایت و ولایت، محبوب یزدان، محبّ خاندان رحیم درویش نواز و جبار دشمن گداز، قره باسرهی [!] سلطنت و جهانبانی، غزّه ناصیهی عظمت و کشورستانی، سالک مسالک جهانداری، راسم مراسم شهریاری رافع رایات کامکاری، بانی مبانی استواری، سگّه ذهب سروری، مروج مذهب حق جعفری، درّ درج شهریاری، درّی برج بختیاری، عارج معارج رفیعه، ناصب مناصب جلیله، مظهر آیات حلیه، مظهر رایات علیه، مطلع انوار «الملک و الدین توأمان» مجمع آثار «إن الله يأمر بالعدل و الاحسان» باسط الامن و الامان، الخاقان بن الخاقان بن الخاقان، ابوالمظفر ابوالمؤید شاه سلطان حسین الموسوی الصفوی بهادر خان. اعلی الله تعالی ألویة ملکه و سلطانه و مدّ علی البریة أظلة عدله و احسانه. گردد، مأمول چنان است که ان شاء الله این رساله که مسّی است به «راه راست» و از اعتبار خالی است، نسبت به مؤلف به اعتبار مطالب آن که مقاصد عالی است، به درجه عالی از اعتبار رسیده، منظور نظر ذرّه پورر کیمیا اثر گردد».

مؤلف پس از این مقدمات، فصل بندی کتاب را که با استفاده از عنوان «مطلع» ترتیب داده آغاز می‌کند. اولین عنوان «مطلع اول در اثبات واجب الوجود» است. (فریم ۶) روشن است که روش کلامی است و وی پس از ارائه ادله اثبات خدا، آیاتی از قرآن و سپس روایاتی از معصومین می‌آورد. ما با ادبیات مخالفان روش کلامی آشنا هستیم که اساساً با به کار بردن مفاهیم رایج در نوشته‌های کلامی مخالف هستند، در حالی که در اینجا اساس همان ادبیات است. بدین ترتیب مشاهده می‌کنیم که در این رساله، از همان سبک کلامی قدیم با ترکیبی از آیات و روایات استفاده می‌شود. مطلع دوم «در احدیّت واجب الوجود» است. (فریم ۱۰) نشرا و در استفاده از استدلال‌های کلامی و فلسفی آسان و چنان که در آغاز هم گفته بود، روش چنان است که خواص و عوام آن را درک کنند. مطلع سوم در «توحید واجب الوجود» است. (فریم ۱۱) و سپس صفات واجب الوجود (۱۶) که به تفصیل از روایات و خطبه‌های امام علی (ع) هم استفاده می‌کند. سبک نویسنده جنبه‌های تازه هم دارد و می‌کوشد صرفاً در چارچوب‌های قبلی نماند و از خود نیز شرح و بسطی با استفاده از تحلیل‌های عقلی و روایی داشته باشد. مطلع دهم در نبوت (فریم ۵۰) پس از توحید آمده است. در اینجا شرحی درباره جایگاه نبوت و علت نیاز به نبی با توجه به ملاحظات اجتماعی و فسادهای جاری به دست داده است. مطلع یازدهم در امامت (فریم ۵۵) دنباله آن آمده و علاوه بر اصل امامت، به اثبات امامت امامان هم پرداخته است. مطلع دوازدهم درباره معاد است (فریم ۷۴) که کتاب با آن پایان می‌یابد. در مجموعه کتابچه‌ای کوتاه با خطی خوش و عباراتی صریح و سلیس است که مطابق روش ترکیبی مؤلف در استفاده از کلام و حدیث سعی کرده است برای عامه مردم یک کتاب «اصول دین» بنگارد و نام زیبای «راه راست» را بر آن نهاده است.

